

درمحمد علی محمدی	گواهینامه پایه یکم
در محمد علی محمدی	گواهینامه موتور
مصطفی پور اسلام	گواهینامه رانندگی
عاطفه دادخواه	گواهینامه رانندگی
ابودر رضایی تنگ	گواهینامه رانندگی
مژگان رضایی شیرازی	گواهینامه رانندگی
ماه نسا سلجری	سند ازدواج
عطا خانی	پایان خدمت
ایرج پشت خم	پایان خدمت
منصور جعفری گرگانی	پایان خدمت
اسدالله باقری	پایان خدمت
نور محمد هارونی	پایان خدمت
محمد جان صداقت	معافیت
ملیحه شریفی	دفترچه بیمه
یوسف شریفی	دفترچه بیمه
میلاد بازگیر	دفترچه بیمه
محدته اسلامی جوزایی	دفترچه بیمه
آرزو کیانی	دفترچه بیمه
فاطمه چکامه	دفترچه بیمه
سواری پراید ۹۱۷ج۱۶۸صفهان	کارت ماشین
هرمز ۳۲۱۱صفهان ۵۶	کارت موتور
وسپا ۵۷۷۹-ط ۹۸۵	کارت موتور
کاواساکی ۴۴۵ بندرعباس ۱	کارت موتور
محمد مرادی	شناسنامه
عیدبرزگی ماشک	شناسنامه
سپروس سلیمی	شناسنامه
قسمت محمدی	شناسنامه
احسان محمدی جمال پور	شناسنامه
محمد علی باختری	شناسنامه
علیرضا پنجه علی	شناسنامه
گلشن ملانی	شناسنامه
سید مهروان حسینی	شناسنامه
مصلح عباسپور حاجی آبادی	شناسنامه
یوسف ملانی	شناسنامه
سعید رساپور	شناسنامه
فرهاد علیمیرزایی	شناسنامه
فرنگیس علیمیرزایی	شناسنامه
محمود صوری	شناسنامه
نیما بلوچ زراعت	شناسنامه
صمداله مرشد نوذر	شناسنامه
محمد رضا بختیاری	شناسنامه
سعید بهری پسند	شناسنامه
خسور حیدری	شناسنامه
مریم زاهدی	شناسنامه
محمد پونس اوزنگ	شناسنامه
سعید خوش اور	شناسنامه
مریم حمیدی	شناسنامه
فاطمه اسدالله زاده	شناسنامه
نجمه جعفری	شناسنامه
مرضه شکری فرد	شناسنامه
مجتبی زارع پور	شناسنامه
مهديه ملانی	شناسنامه
رمضان رازمند	شناسنامه

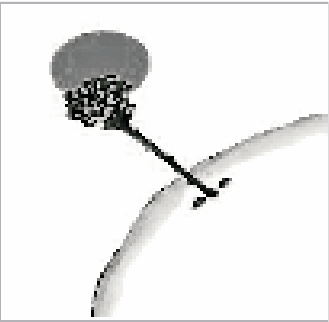
تماشاگران احساساتی

ورزشگاه از جمعیت موج می زد و به هم یاس می دادند . تماشاگران هم که مسابقه ای بزرگ بین دو تیم فوتبال در حال انجام بود و من هم به اتفاق رفیقم در آن عصر جمعه به ورزشگاه رفته بودیم تا شاهد جریان بازی از نزدیک باشیم و لذت بازی را به طور زنده و به قول معروف "آن لاین " ببینیم . چهار چشمی موافق زمین بودیم که کی گل می زند و کی گل می خورد . هنوز به آغاز بازی دقایقی مانده بود که تماشاگران احساساتی شروع کردن به های و هوی و هیاهو و سر و صدا و تقلید انواع صداهای حیوانات اهلی و وحشی عجیب و غریب و ته خلقی و حرفه های چور و ا چور و پارازیت های متنوع و دارا م و دروهمپ سنج و شیپور و طبل و چیزهای دیگر . سرم مثل آژیر آمبولانس های اورژانس سوت می کشید . توقف سر و صداهای بودم که بازی شروع شد و توپ بیچاره افتاد زیر پای یازده نفر آدم با لباس های گوناگون ، از زانویه ریز من آن

آدم ها منظورم همان بازی کتان مثل جنگاورانی از قبایل نفستین توپ برپشت را این طرف و آن طرف می انداختند و به های و هوی و هیاهو و سر و صدا و تقلید انواع صداهای حیوانات اهلی و وحشی عجیب و غریب و ته خلقی و حرفه های چور و ا چور و پارازیت های متنوع و دارا م و دروهمپ سنج و شیپور و طبل و چیزهای دیگر . سرم مثل آژیر آمبولانس های اورژانس سوت می کشید . توقف سر و صداهای بودم که بازی شروع شد و توپ بیچاره افتاد زیر پای یازده نفر آدم با لباس های گوناگون ، از زانویه ریز من آن

آدم ها منظورم همان بازی کتان مثل جنگاورانی از قبایل نفستین توپ برپشت را این طرف و آن طرف می انداختند و به های و هوی و هیاهو و سر و صدا و تقلید انواع صداهای حیوانات اهلی و وحشی عجیب و غریب و ته خلقی و حرفه های چور و ا چور و پارازیت های متنوع و دارا م و دروهمپ سنج و شیپور و طبل و چیزهای دیگر . سرم مثل آژیر آمبولانس های اورژانس سوت می کشید . توقف سر و صداهای بودم که بازی شروع شد و توپ بیچاره افتاد زیر پای یازده نفر آدم با لباس های گوناگون ، از زانویه ریز من آن

گل



مادر: پسرم این گل را از کجا آورده ای ؟
پسر: از باغ همسایه چیده ام
مادر: همسایه می داند چیده ای ؟
پسر: پله می داند، چون تا همین پشت در دنبالم کرد.

در فضائل فانه

سعادت خانه درخداپرستی

شرافت خانه در دوستی

ثروت خانه در شادی

زیبایی خانه در پاکیزگی

حرارت خانه در عشق و صمیمیت است



احساساتی

احساساتی



نخ همدیگر و دست به یقه می شدند . البته اضافه کنم ما بی طرف بودیم و به غیر از ما دو نفر همه یا بی کلاه بودند و یا با کلاه ... بالاخره بی کلاه ها آنقدر برای با کلاه ها شلک در آوردند و اشیاء مختلف پرانند و بازکنان خود را تا آسمان هفتم بالا و پایین انداختند و سوت و کف زدند و نمی دانم سر چه موضوعی قوم با کلاه هم چوب و سنگ در آوردند و می توانید حدس بزنید که چی شد قوم بی کلاه ریفتند توی زمین و

گذاشته و مثل خرخره می چرخانند . سرها بود که می شکست و دست و پاها که مجروح می شد و هر لحظه بر شدت آن افزوده می شد و کار طرفین کم کم به تعادل آتشین سلاح های سنگین مثل سنگ و چوب و پرتاب موشک های ۹متری مثل نرده های کنار ورزشگاه و همچنین رگبار پیاپی سنگ ریزه کلوخ و دسته پیل و خود پیل و نمی دانم بی کلاه ها از کجا سلاح هسته ای پیدا کرده بودند . یک دفعه متوجه شدیم بی کلاه ها موشک های نیم برد هسته ای یعنی نایلون ها پر از خاک و سنگ به طرف

سرفه هایی پیاپی از طرف با کلاه های ها به گوش می رسید . بنده و دوستم همان جا سر جایمان نشسته بودیم و مثل کسانی که فیلم جنگی تماشا می کنند تفرقه می شکستیم و می خوریم . با کلاه ها در مقابل به مثل خود همراه با آتش سلاح های نیمه خود کار و خود کار و نیمه سنگین از قبیل دمیایی ابری ، نیمه ابری ، پلاستیکی ، انواع ساعت های مچی ارزان قیمت ، عینک های دوری بارنگهای متنوع و ...

۴

احساساتی احساساتی

موفق شدند تا با پانک سنگین بی کلاه ها را به عقب برانند . نمی دانم چطور شد که آتش بس اعلام کردند و بعد از مذاکره چند دقیقه ای سران بی کلاه ها و با کلاه ها ناکان ها به طرف من و رفیقم دویدند ، فهمیدم بودند که ما داریم به ریششان می خندیم و همگی به طرف چایی که ما نشسته بودیم هجوم آوردند و ما نیز از ترس شروع به دویدن کردیم و از روبرار چند متری چنان پرپریم که یار فیلم های جیمز باندی جلوی چشم همه زنده شد . پرپریم توی خیابان و همه هم دنبال ما . همان موقع مسابقه قهرمانی ماراتن هم در حال برگزاری بود که من و رفیقم مثل شفشه دویریم و قاطی مسابقه دهنگران شدریم و تعدادی از با کلاه ها و بی کلاهای احساساتی و فروشناک هم که به دنبال ما بودند دستشان به ما نرسید و از صدفه سر همین بی کلاه ها و با کلاه ها شدریم قهرمان های ماراتن و جایزه هم گرفتیم . از شما بنوان نباشد پشت رستمنا رانقره داغ کردیم که دیگر قاطی تماشاگران احساساتی به تماشای مسابقه اینی نشینیم .

سید رضا هاشمی

آقای رییس من چند تا کارت عابر بانک دارم که هیچ سودی برام ندارن
نمی شه به جای کارت های سری جدیدتون ۶۰۳۷
یک کارت سوخت بهم بدید که یه سودی واسم داشته باشه



شاهین سلیمان زاده

کاریکاتور روز

آگهی حصر وراثت

آقای جمعه انصاری دارای شناسنامه شماره ۲ به شرح دادخواست به کلاسه ۵۱/۸۶- ح این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان علی انصاری بشناسنامه ۱۷۷۲-۳۴۳۰۰ در تاریخ ۱۳۸۲/۹/۱۹ در اقامتگاه دائمی خود بدروند زندگی گفته ورته حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۱ - جمعه انصاری فرزند علی بشماره شناسنامه ۲ صادره از گاوپندی متولد ۱۳۲۹/۷/۲ پدر متوفی ۲ - فاطمه انصاری فرزند صالح بشمار شناسنامه ۹ صادره از گاوپندی متولد ۱۳۲۹/۹/۲ همسر متوفی و لا غیر
اینگ با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را یک نوبت آگهی می نماید تا هر کس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یکماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر و هر وصیتنامه جز سری و رسمی که بعد از این ابراز شود از درجه اعتبار ساقط و بلااثر خواهد بود .

افشاری -مدیر دفتر شعبه اول دادگاه عمومی شهرستان یارسیان

آگهی ابلاغ دادنامه کیفری

بدین وسیله به آقای اکبر غلامی فرزند ... فلا مجهول المکان ابلاغ می شود به موجب دادنامه شماره ۲۲/۸۵ پرونده کلاسه ۵۹/۱۰۲/۸۵ حسب شکایت گزارش مامورین گزارش مرجع انتظامی مبنی بر وارد نمودن مشروبات الکلی به تحمل شش ماه حبس تعزیری وتحمل ۴ ضربه شلاق در محوطه دادگستری محکوم شده اید .
رای صادره غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ ، قابل واخواهی در همین دادگاه می باشد .
ضمنا یک نسخه دادنامه ارسال می گردد .

هادی -رئیس شعبه اول دادگاه جزایی میناب

آگهی حصر وراثت

آقای صمد بهرامی کوهشاهی دارای شناسنامه شماره ۷ به شرح دادخواست به کلاسه ۱۵۶/۱/۸۶ این دادگاه درخواست گواهی حصر وراثت نموده و چنین توضیح داده که شادروان رضا بهرامی کوهشاهی بشناسنامه ۱۳ در تاریخ ۱۳۸۱/۵/۱۳ در اقامتگاه دائمی خود بدروند زندگی گفته ورته حین الفوت آن مرحوم منحصراست به ۱ - حلیمه بهرامی فرزند اکبر بشماره شناسنامه ۴ صادره از حوزه ۳ حاجی آباد (مادر متوفی) ۲ - صمد بهرامی کوهشاهی فرزند عبدل بشماره شناسنامه ۷ صادره از ح ۳ حاجی آباد (مادر متوفی) و لا غیره ... اینک با انجام تشریفات مقدماتی درخواست مزبور را یک نوبت آگهی می نماید تا هر کس اعتراضی دارد و یا وصیتنامه از متوفی نزد او باشد از تاریخ نشر آگهی ظرف یکماه به دادگاه تقدیم دارد والا گواهی صادر خواهد شد

رئیس شعبه اول دادگاه حقوقی شهرستان حاجی آباد
غلامعباس محمد حسن پور

آگهی احضار

در پرونده کلاسه ۱۰۶۹/۱/۸۳
آقای عبدالخالق رسولی فرزند جمیل بندرعباس به عنوان مطلع و به علت اینکه آدرسی از نامبرده در دست نیست به استناد ماده ۱۸۰ قانون آئین دادرسی کیفری مراتب در روزنامه آگهی می شود تا در وقت رسیدگی ساعت ... صبح روز ... مورخه ... دراین شعبه حاضر و از خود دفاع نماید والا برابر مقررات اقدام خواهد شد .
رئیس شعبه اول دادگاه جزائی انقلاب اسلامی بندر عباس کامران زاده

آگهی احضار

در پرونده کلاسه ۱۴۵/۸۶
آقای اسفندیار امیری فرزندمحمد به اتهام حمل کاروانی و مسلحانه ۱۲۰/۲۰۰ کیلوگرم شیره مایع تریاک و ۳۹۹ کیلوگرم حبشیش تحت پیگرد قانونی است . و به علت اینکه آدرسی از نامبرده در دست نیست به استناد ماده ۱۸۰ قانون آئین دادرسی کیفری مراتب در روزنامه آگهی می شود تا در وقت رسیدگی ساعت ۵ صبح روز دوشنبه مورخه ۸۶/۵/۱ با وکالت تسخیری زابلی دراین شعبه حاضر و از خود دفاع نماید والا برابر مقررات اقدام خواهد شد .

دادرس دادگاه انقلاب میناب - موسوی

آگهی ابلاغ دادنامه کیفری

بدین وسیله به آقای علی جلالی فرزند علیمان فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود به موجب دادنامه شماره ۷۴۸/۸۵ پرونده کلاسه ۱۲۹۲/۱۰۲/۸۳ حسب گزارش مامورین گزارش مرجع انتظامی مبنی بر سرقت به یک سال حبس تعزیری و هفتاد ضربه شلاق محکوم شده اید .
رای صادره غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ ، قابل واخواهی در همین دادگاه می باشد .
ضمنا به پیوست یک برگ دادنامه ارسال می گردد .
رئیس شعبه ۱۰۲ دادگاه جزایی میناب - هادی

آگهی احضار

در پرونده کلاسه ۲/۸۶ /اداری
آقای یعقوب مرادپور فرزند.... حسب شکایت / گزارش مامورین انتظامی به اتهام خرید مال مسروقه تحت پیگرد قانونی است . چون نامبرده مجهول المکان و آدرسی از وی در دسترس نیست به استناد ماده ۱۱۵ قانون آئین دادرسی کیفری مراتب در روزنامه آگهی می شود تا در این شعبه حاضر و از خود دفاع نماید والا برابر مقررات اقدام خواهد شد .
وقت رسیدگی ۹ صبح شنبه مورخه ۸۶/۴/۳۰ می باشد

شعبه اول دادگاه عمومی و انقلاب فین

آگهی ابلاغ دادنامه کیفری

پیرو آگهی های قبلی بدین وسیله به آقای خلیل کنعانی فرزند کیمیار فعلا مجهول المکان ابلاغ می شود به موجب دادنامه شماره ۱/۱۰۱۰ پرونده کلاسه ۶۲۶/۱/۸۵ حسب شکایت گزارش مرجع انتظامی مبنی بر اختفاء و نگهداری ۱۴/۷۰۰ کیلوگرم تریاک به پرداخت مبلغ دویست میلیون ریال جریمه نقدی و ۷۴ ضربه شلاق و پنج سال حبس محکوم شده اید .
رای صادره غیابی و ظرف ده روز پس از ابلاغ ، قابل واخواهی در همین دادگاه می باشد .

دادرس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی بندر عباس رضارنجبر محسنی

دادنامه

کلاسه پرونده ۷۰۱۵/۱/۷۸ ق
دادنامه شماره : ۲۰۹ - / ۱۶ - / ۸۶
شکایت : گزارش مامورین
متهم : آقای حمید محمودی فرزند یحیی
اتهام : دانه به فروش ۴۸/۵ کیلوگرم تریاک
مرجع رسیدگی کننده: شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی بندرعباس
گرددشکار : در خصوص شکایت مامورین انتظامی علیه متهم دایر به فروش ۴۸/۵ کیلوگرم تریاک که پس از وصول پرونده ثبت و اینک در تاریخ فوق ختم دادرسی را اعلام و اقدام بصدور رای می نماید .

بتاریخ دوازدهم اردیبهشت سال یک هزار و سیصد و هشتاد و شش دادگاه انقلاب اسلامی بندرعباس بتصدی اینجانب امضاء کننده ذیل در وقت مقرر تشکیل است . پرونده کلاسه ۷۰۱۵/۱/۷۸
انتهای آقای حمید محمودی فرد یحیی دانه به فروش ۴۸/۵ کیلوگرم تریاک مکشوفه تحت نظر است . علیرغم احضار متهم به آدرس های مذکور درپرونده مورد شناسایی قرار نگرفت نهایتا از طریق نشر آگهی متهم احضار که در موعد مقرر نیز در جلسه دادگاه حاضر نگردیده با توجه به محتویات پرونده حاضر و اظهارات متهم اصلی پرونده آقای صابر طاهری فل علی که مواد مخدر مکشوفه را متعلق به متهم مار الذکر دانسته است و سایر قرائن و امارات موجود مجرمیت آقای حمید محمودی فرزند یحیی محرز و مسلم بوده لذا دادگاه نامبرده را بااستناد بندهای ۴ و ۵ وماده ۵ قانون اصلاح قانون مبارزه با مواد مخدر به ده سال حبس و بیست و پنج میلیون و هفتصد هزار تومان جریمه نقدی و هفتاد و چهارضربه شلاق محکوم می نماید .
رای صادره غیابی محسوب و با رعایت ماده ۲۱۷ آئین دادرسی دادگاه های عمومی انقلاب در امور کیفری در فرجه ۱۰ روز پس از ابلاغ واقعی قابل واخواهی در همین دادگاه می باشد .

کامران زاده
رئیس شعبه اول دادگاه انقلاب اسلامی بندر عباس

مصرف ماهی انسان را در مقابل بیمای های امروزی

مثل سرطان و سکتة و فشارخون بیمه می کند

روابط عمومی اداره کل شیلات هرمزگان

